

طایور فردا ن - آنست که همین آنست و شاد بود.

(سیار میان نویزد و بزم غریز دخواهان سارک باشند)

روز طاری خوشی دویست سندستی را که سبب راسته باشند. ای  
رحم حمید کس نام داشت (اس که به مادری آنده لام و به علی

بر پیشی حشم دعیم (لطفاً نه لطفاً) سوچانم زورگر کراچان

نه سترم. (ای حمید بیان رفاقت که خود را حشم خود را

عل کرده ام و دران تھات را سر لذانم راه صبور قرار دهیم

درستی نه سترم و لیست را فرزاد (ر) حبس می کنند

و صدیح حمید نام زورگرانم - کمال دیگریم - کلی

(صلع) ای عرض کلم که طبق رویی جنم لذت را در راحل حشم

دزگر کس زور را داده ای کم. (ای حمید

لستم آن کم - داده ای کم).

(ز طرفی رحم حشم دزهار دخواهان خدا هم غریز

و دخواهان خدا هم گرانند دیگر ای (ای حمید) سلام و سعادت

و طلاق و ساری ای کم. (ای حمید)

پنجه ای کم. (ای حمید)

با این نظر

۴۸  
جست پیش از خود را خواهی داشت بلطف (میراد خواهد شد) (و هات را باید در مورد خود خواهی داشت) و خود را بخواهی داشت  
از خود خواهی داشتم و می خواستم از خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم)  
و خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم و خود خواهی داشتم  
و خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم  
و خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم  
و خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم

درین و خود خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم  
و خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم  
و خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم  
و خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم

خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم

خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم

خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم) و خود خواهی داشتم

خود خواهی داشتم (که خود خواهی داشتم)